

تاریخ

ایل باستانی کرای

مؤلف: نور محمد مجیدی کرای

ناشر:
انتشارات زیتون سبز

۱۳۹۰

سرشناسه: مجیدی کرائی، نورمحمد، ۱۳۱۱
عنوان و نام پدیدآور: تاریخ ایل باستانی کرای / نورمحمد مجیدی کرای.
مشخصات نشر: تهران: زیتون سبز، ۱۳۹۰
مشخصات ظاهری: ۳۴۰ ص: مصور.
شابک: ۱۰۰۰۰۰ ریال، ۴-۸۹-۵۰۰۰-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
موضوع: کرای -- تاریخ
موضوع: ایلات و عشایر - ایران - تاریخ
رده‌بندی کنگره: ۷۲DSR / ک ۲۴م ۱۳۹۰
رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۹۸۶
شماره کتابشناسی ملی: ۲۳۹۱۸۲۶



نشر زیتون سبز

نام کتاب: تاریخ ایل باستانی کرای
تألیف: نور محمد مجیدی کرای
ویراستار: مهدی سعیدی، نیکنام حسینی‌پور سی سخت
صفحه‌آرا: مینا صفری
طرح جلد: محمدرضا چشمه
شمارگان: ۳۰۰۰
نوبت چاپ: اول ۱۳۹۰
لیتوگرافی: ماهواره
چاپ: شادزنگ
شابک: ۴-۸۹-۵۰۰۰-۶۰۰-۹۷۸
ناشر: انتشارات زیتون سبز
قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال

تهران، خیابان انقلاب، بین ویلا و حافظ، خیابان پورموسی، کوچه بامشاد، پلاک ۲، واحد ۱
کدپستی: ۱۵۹۹۶۱۷۷۱۱ تلفن: ۲۱-۸۸۹۴۸۸۲۰-۸۸۹۳۲۶۵۲ دورنگار: ۸۸۹۳۲۶۵۲

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۳	مقدمه
۱۷	یادداشت
۲۱	بخش یکم: تاریخ ایل باستانی کرایی
۲۲	اقوام و تیره‌های لرستان بزرگ
۲۳	در ذکر حکام و اتابکان لرستان
۲۵	ابوطاهر
۲۵	اتابک هزار اسف
۲۶	تکله
۲۷	اتابک شمس الدین
۲۷	اتابک یوسف شاه
۲۹	نصره الدین احمد
۳۱	بخش دوم: سازمان ایل کرایی
۳۳	بخش سوم: حوادث و رویدادهای تاریخی
۳۴	هلاکو
۴۱	پناهنده شدن امیر تکله به دژ منگشت
۴۲	دژ منگشت و موقعیت آن
۴۵	بخش چهارم: جنگ لرها با ترکان مغول
۴۶	فرمان اتابکی لرستان بزرگ به افراسیاب

بخش پنجم: جنگ امیر تیمور گورکانی با اتابک افراسیاب دوم ۴۹
یک گردش در سرزمین لرستان ۴۹

بخش ششم: فروپاشی نظام حکومتی لرستان بزرگ ۶۹

بخش هفتم: کوچ اجباری ایلات کرای سیستان و بلوچستان ۷۱

کرای (کهزایی) استان سیستان و بلوچستان ۷۲

بنادر متعلق به مکران ۷۳

چاه بهار ۷۳

طیس ۷۳

پارک ۷۳

بندر تنک ۷۳

بک ۷۳

هیجان ۷۳

سیروندینی ۷۳

چاهان و هنرم ۷۴

دشت ۷۴

کوچه و باهه ۷۴

محصول ۷۴

مواشی ۷۴

جمعیت ۷۴

لباس ۷۴

تلانک ۷۴

میر بازار ۷۴

تکود ۷۴

بخش هشتم: منابع محلی سیستان و بلوچستان ۷۵

شجره نسب سردار محمدحسینی لر شیرازی ۷۷

عشایر و طوایف شهرستان زاهدان ۷۸

طایفه شه بخش (اسماعیل زایی): وجه تسمیه و سابقه تاریخی ۷۸

بخش نهم: کرای استان فارس (بخش گله دار) ۸۵

بخش گله دار ۸۸

مسیر و راه کوچ ایلات کرای گله دار ۸۹

کرای شهر خنج ۹۶

کرای خشت شهر کازرون ۹۷

کرایه شهر نورآباد ممسنی	۹۹
کرایه گره و بلاده کازرون	۱۰۱
کرایه ایلات اینالو	۱۰۲
کرایه ایلات دشمن زیاری فارس	۱۰۲
کرایه حومه مروودشت	۱۰۳

بخش دهم: کرایه استان کرمان - شهر سیرجان ۱۰۵

بخش یازدهم: استان بوشهر	۱۰۹
کرایه پاپری شهر برازجان	۱۰۹
پاپری:	۱۱۱
خاندان خوانین برازجان	۱۱۲
خاندان حاکمه	۱۱۲
لرده دژ تسخیر ناپسیر	۱۱۵
ببرهای لرده، پوزه انگلیسی راه جاک مالیدند	۱۱۷
غضنفر السلطنه	۱۲۳

بخش دوازدهم: کرایه استان چهارمحال بختیاری ۱۲۷

کران	۱۲۷
------	-----

بخش سیزدهم: کرایه استان کهگیلویه و بویراحمد ۱۲۹

شهربنیان (مهره کرایه)	۱۲۹
-----------------------	-----

بخش چهاردهم: شهر لنده	۱۳۳
موقعیت طبیعی گذشته شهر لنده	۱۳۴
کشاورزی	۱۳۴
باغداری	۱۳۵
چاه‌های آبی	۱۳۶
مرغزار لنده	۱۳۶
تاریخ باستانی لنده	۱۳۷
کوه شیر بادان و نرگس زار	۱۳۷
دره گازران	۱۳۷
قلعه سوخته	۱۳۷
رفتن برای مالیات طایفه عالی نسب (عالی طیب)	۱۳۹
مردم لنده	۱۴۶
محلات لنده	۱۴۷

۱۴۸	 جمعیت لنده
۱۴۸	 اوضاع فرهنگی
۱۴۹	 مدارس ابتدایی
۱۵۰	 آیین‌های سنتی
۱۵۱	 پند کنان
۱۵۱	 مراسم ختم و خاک سپاری
۱۵۲	 عروسی‌ها
۱۵۳	 مراسم مذهبی
۱۵۴	 لباس‌های سنتی
۱۵۷	 روستای موله
۱۵۸	 مال شیخ (هندیله)
۱۵۸	 آثار مال شیخ
۱۶۱	 بخش پانزدهم: شهرک قلعه رئیسی
۱۶۳	 تیره کرای ایل تاحسین شاهی
۱۶۵	 بخش شانزدهم: شهر دیشموک
۱۶۶	 تیره کرای سردان دیشموک
۱۶۷	 سرزمین لیراب
۱۶۷	 لیراب
۱۶۸	 «افسانه پیدایش ایل بهمنی»
۱۶۹	 (ازدواج بین دختر دایی و پسرعمه)
۱۷۱	 بخش هفدهم: آثار تاریخی دهستان ترو (تراب)
۱۷۳	 موقعیت روستاهای ترو
۱۷۳	 الف: ترو وسطی
۱۷۴	 ب: ترو (تراب علیا)
۱۷۵	 دهستان موگرمات
۱۷۶	 روستای لیرکک
۱۷۷	 روستای دژکوه
۱۸۱	 شهرک ایدنک
۱۸۳	 (مردم باستانی ایدنک)
۱۸۷	 بخش هیجدهم: عناوین محلی تیره‌های مردم ایل کرای
۱۸۷	 شاخه قومی اروهای
۱۹۰	 عناوین و نامواژه ایل دین یار

عناوین تیره ملاها	۱۹۳
تیره گان رئیس و عناوین قومی آنان	۱۹۴
رئیس‌های گل سرخی	۱۹۵
تیره‌های مشایخ و عناوین شیخ	۱۹۵
مشایخ عباسی	۱۹۶
مشایخ دزکوه	۱۹۶

بخش نوزدهم: کوچ اجباری ایل کرایی به فرمان نادرشاه افشار ۱۹۷

بخش بیستم: ایل کرایی در دوران زندیه ۲۰۳

بخش بیست و یکم: لشکرکشی کریم خان زند برای سرکوب ایلات لیراوی دشت ۲۰۷

بخش بیست و دوم: لشکرکشی کریم خان زند به سرزمین کهگیلویه ۲۱۱

قتل هیبت الله خان باوی حاکم پشتکوه کهگیلویه ۲۱۳

بخش بیست و سوم: شورش فایده مراد کرایی ۲۱۷

بخش بیست و چهارم: کشته شدن جعفر خان قنوازی حاکم شهر بهبهان و کهگیلویه ... ۲۲۳

بخش بیست و پنجم: بهاماندگان ایل کرایی ۲۲۷

جنگ دولت پهلوی اول با ایل بهمنی ۲۳۱

بخش بیست و ششم: جنگ ۱۳۱۶ / ایل علاء الدینی بهمنی با رضا شاه پهلوی ۲۳۷

جنگ کوه ترایی ۲۴۴

جنگ دوگچه: ۲۴۷

کشته شدن گل محمد ۲۵۰

کشته شدن برادران ملا مراد خان: ۲۵۲

اعدام جنگ جویان بهمنی علاء الدینی ۲۵۳

بخش بیست و هفتم: شهر سوق ۲۵۵

بخش بیست و هشتم: شهرستان بهمنی ۲۵۹

آثار باستانی شهرستان ۲۶۰

آثار اشکانی تنگ سولک ۲۶۰

۲۶۴	تیره‌های باستانی ایل کرای در ایل بهمنی
۲۶۵	استودان‌های تنگ ماغر
۲۶۵	تیره‌های کرای ایل بهمنی
۲۶۶	دهه ملا باقر کرای
۲۶۷	کرای دهه جوانمرد
۲۶۷	کرای دهه گنجعلی
۲۶۹	طایفه کرای اوسل

۲۷۳	بخش بیست و نهم: استان خوزستان
۲۷۳	کرائی‌های بختیاری؛ مسجدسلیمان و شوشتر
۲۷۸	دومین کوچ اجباری کرائی‌ها به منطقه له بهری و کوه سیاه
۲۸۲	مرد پلنگ افکن
۲۸۳	طایفه رهدار کرائی
۲۸۴	کرای میانگران شهر ایذه بختیاری
۲۸۵	کرای روستای تمبی قلعه تل بختیاری
۲۸۵	کرای شهرک دکتر چمران هفت تپه دزفول
۲۸۵	کرای عشیره کردونی حومه اهواز
۲۸۷	طایفه کرای آل بوگنجی
۲۸۸	ملا عبدالسید کرائی (نصرت نظام)
۲۸۹	کرای شهر رامهرمز خوزستان
۲۸۹	کرای بنه آخوند شهر رامهرمز
۲۹۰	کرای سرچشمه شهر رامهرمز
۲۹۱	طایفه راهدار رامهرمز
۲۹۱	کرای شهر رامشیر
۲۹۳	طوایف کرای تلاوری
۲۹۵	کرای بخش سر مشهد تاشان
۲۹۶	کرای حیات آباد
۲۹۶	کرای حومه بهبهان
۲۹۷	کرای روستای حسین آباد کردستان
۲۹۷	کرای کردستان بهبهان
۲۹۸	کرای زیدون

۳۹۹	بخش سی ام: سازمان طوایف کهگیلویه و بویر احمد
۳۰۰	موضوع سند
۳۰۰	اسامی تیره‌ها
۳۰۱	طوایف دوران صفویه بلاد شاپور (شهر دهدشت)

۳۰۳.....	بخش سی و یکم: علماء، شاعران و نویسندگان ایل کرایی
۳۰۳.....	علماء.....
۳۰۳.....	شیخ ابراهیم بن عباس کرایی.....
۳۰۳.....	شیخ مه‌مد کرایی.....
۳۰۴.....	آخوند نظر علی کرایی.....
۳۰۴.....	آخوند کربلایی رمضان کرایی.....
۳۰۵.....	ملاجهانگیر کرایی کهگیلویه.....
۳۰۵.....	ملا احمد جنونی کرایی.....
۳۰۶.....	میرزا شوقی کرایی:.....
۳۰۸.....	معراج پیامی (ص).....
۳۱۴.....	شوقی و سرگذشت او در شهر بهبهان.....
۳۱۵.....	چگونگی مرگ شوقی.....
۳۱۸.....	زندگی نامه حسین پناهی.....
۳۱۸.....	زندگی نامه حسین پناهی، شامل: کارنامه هنری، جوایز و کتاب‌ها.....
۳۲۰.....	فیلم‌های پناهی.....
۳۲۰.....	آشنایی با حسین پناهی.....
۳۲۲.....	ملا زلفعلی کرانی.....
۳۲۴.....	زندگی نامه عبدالستار منصوری.....
۳۲۵.....	وفای دختر.....
۳۲۶.....	خانم صوفی منصوری.....
۳۲۷.....	استاد محمد کریم چوبینه.....
۳۲۷.....	کوچ اجباری.....
۳۳۴.....	کنار.....
۳۳۹.....	منابع.....

کتابی که تحت عنوان «تاریخ ایل باستانی کرای» تقدیم حضور خوانندگان گرامی خواهد شد، کتابی مستند و تاریخی است که براساس منابع مکتوب تاریخی و سفرهای تحقیقی و پژوهشی در شهرهای مختلفی که بازماندگان قوم کرای در آنجا سکونت داشته اند، تهیه و تدوین شده است.

در طول تاریخ ایران بسیاری از مردم عشایر و ایلات که با شاهان و شاهزادگان و امرای آنان به دشمنی برخاسته و سر به شورش و نافرمانی برداشته اند، مشمول قانون کوچ اجباری و جابجایی از سرزمین خود به سرزمین‌های دور از بومگاه خود شده و در بدترین وضعیت زندگی که شامل پیشامدهای ناگوار و مرگ‌زا و نابود کننده و از همه بدتر سوء رفتار مأمورین حکومتی با این رانده شدگان از وطن خود بودند گرفتار نابسامانی‌های رفت‌انگیزی شده‌اند. مردم ایل کرای نیز در چندین کوچ اجباری با چنین مصائب و سختی‌هایی مواجه شده‌اند و با نظر به این مشکلات دشوار و دوری از سرزمین‌های پدری و نیاکانی خود در طول این تبعیدها هویت قومی آنان به انگیزه آوارگی و دربدری به ژرفای دریای فراموشی تاریخی و از یاد رفتگی سپرده شده است. در این کتاب به چگونگی موقعیت این رانده شدگان و تبعیدیان اجباری، (ایل کرای)، سخن گفته شده است.

ایل کرای‌ها که به استناد گزارش‌های تاریخ‌گزیده و جغرافیای نزهت القلوب از تألیفات حمدالله مستوفی در سال ۷۴۰ ه. ق دارای سرزمینی مستقل به نام «کواراکان» بودند که در همسایگی مناطق مستقل طوایف لرستان بزرگ: لالستان (سرزمین لوا بویراحمد) و متابستان (نواحی دلی مهتاب طیبی سردسیر) و شولستان (سرزمین ممسنی کنون) جای داشتند و در دوره صفویه، سرزمین و ولایت کرای به استناد کتاب تذکره الملوک به نام «الکای کرای» ولایت کرای خوانده می‌شد، در زمان حاکمیت سلاطین ترک نژاد سلجوقی، مغولی، خوارزمشاهی تا

دوران صفویه، بزرگترین اقوام ساکن در رشته کوه‌های زاگرس در ولایات کنونی: بختیاری و کهگیلویه بوده‌اند، که در گذر زمان چنانکه در آینده گفته خواهد شد، در چند دوره مشمول کوچ اجباری که از سخت‌ترین مجازات‌هاست شده‌اند. بنابر اطلاعات به‌دست آمده، نخستین کوچ اجباری مردم کرای به سیستان و بلوچستان است که در سال ۶۵۰ ق. و در زمان حاکمیت اتابک امیر تکه هزار اسف پیش آمده و به قتل عام مسلمانان در شهر بغداد در حمله هلاکوخان مغول به آن شهر تأسف خورده و اعتراض نمود و این امر را، خبرچینان به هلاکوخان رسانیدند که مورد خشم و غضب هلاکوخان درآمد و هلاکوخان لشکری به جنگ امیر تکه هزار اسف اتابک (پادشاه بومی) لرستان بزرگ فرستاد که بمدت ۹ ماه این سپاه خونخوار در ولایات نزدیک به «دژ مونگشت» پناهگاه اتابک تکه ماندند و پس از تسلیم وی، تعدادی از مردم ایلات کرای که در حوالی دژ مونگشت سکونت داشتند و بنابر اطلاعات به‌دست آمده از سران طوایف کرای استان سیستان و بلوچستان، شمار آنها ۱۸ تیره بوده‌اند را همراه رییس آنان به نام محمد حسن لر شیرازی به نواحی سیستان و بلوچستان تبعید نمودند که اکنون بازماندگان آنان به نام‌های: کرای، کهزایی، کهزایی و کزایی و مجموعه به اسامی «محمدحسنی» در سیستان و بلوچستان ایران، پاکستان، افغانستان و خراسان زندگی می‌کنند.

در سال ۱۰۰۴ هـ ق در دوره پادشاهی شاه عباس اول صفوی و استانداری «والیگری» الله وردیخان، به استناد گزارش مؤلف تاریخ خطی فتوحات همایون در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، اختلاف و جنگی بر سر مسائل قومی، میان امیر بوداق کرای و لاچین بیگ حاکم درگرفت که به شکست حاکم کرای و کشته شدن عده‌ای از سپاه او انجامید. پس از اطلاع یافتن الله وردیخان از این واقعه، سپاهی که برای سرکوبش ازبکان خراسان آماده و بسیج کرده بود، بر سر ایل کرای تاخته و مردم بسیاری را از این ایل کشته و اموال زیادی به غارت بردند تا حقیقت امر بر الله وردیخان که گناهکاری از حاکم او بود روشن و امیر بوداق کرای و مردم ایلش مورد عفو درآمدند. اما بخش مهمی از مردم کرای که متهم به کشتار مأمورین لاچین بیگ حاکم کرای بودند، اجباراً به سرزمین فارس کوچ داده شدند که در حال حاضر بازماندگان آنان در شهرهای گله دار، خنج و سیرجان و کران شهر فارس چهارمحل بختیاری سکونت دارند.

در سال ۱۱۴۵ هـ که شاه تهماسب صفوی، پسر شاه سلطان حسین صفوی، دست نشانده نادر قلی خان افشار (نادرشاه بعد) به سلطنت رسید. بنا به گزارش‌های مؤلفان کتابهای جهان گشای نادری، عالم آرای نادری و تذکره شوشتر، شخصی که خود را صفی میرزا، پسر شاه سلطان حسین صفوی معرفی کرده بود، در مناطق ایل بختیاری ظهور کرد و بختیاری‌ها، دور او گرد آمده، او را پادشاه خواندند که او ۴ سال در شهرهای شوشتر و دهدشت به پادشاهی پرداخت تا اینکه نادرشاه افشار با ارسال نامه‌هایی به سران عشایری که در سپاه بیست هزار نفری صفی میرزا بودند، به آنان گوشزد نمود که وی مردی مجهول النسب است و شاهزاده نیست و از طایفه کرای می‌باشد

که به این کسوت نمایان شده صفی میرزا نیز با توجه به پراکنده شدن عشایر هوادارانش به قاید گنجی کرای، رئیس مقتدر ایل کرای شاخه «دین یار» در قلعه اوسل، خاک کنونی ایل یوسفی که در آن زمان از آن قاید گنجی بود، پناهنده گردید و پس از یک سال به دست اقوام قاید گنجی، دستگیر و در شهر دهدشت کشته و سرش را به خراسان نزد شاه تهماسب صفوی فرستادند. در اینجا نیز کرای‌ها در رابطه با هواداری از صفی میرزا، مورد خشم و غضب عمال نادری قرار گرفته و به فرمان نادر شاه، مشمول قانون کوچ اجباری به نواحی خوزستان و عراق عرب شدند، بازماندگان این ایل در شهرهای: اهواز (حومه کوت عبدالله)، مظفریه و گنجیه و شهر رامشیر با نام‌های کردونی، آل بوکر و نیز در شهرهای مسجد سلیمان و رامهرمز و نواحی ایل بهمنی و زیدون بهمن با نام قومی خود (کرای) زندگی می‌کنند.

در سال ۱۱۷۲ ه‍.ق به استناد گزارش کتاب تاریخ گلشن مراد، کریم خان زند برای مجازات یکی از سران ایل کرای به نام قاید ابول ریچی به شهر رامهرمز لشکر کشید. و پس از محاصره قلعه قاید ابول ریچی در جوار امامزاده شاه ابوالقاسم در حومه شهر رامهرمز، قلعه قاید ابول را به تصرف در آورد و او و افراد یانش را به قتل رسانیده و قلعه‌اش را با خاک یکسان نموده.

در سال ۱۱۷۵ ق. که کریم خان زند برای سرکوب طوایف لیراوی دشت به زیدون حومه شهر بهمن لشکر کشید، گروهی از طوایف کرای که در نواحی زیدون مانده بودند از ترس تعرضات سپاه زندیه از آنجا به شهرهای نورآباد ممسنی، گره بالاده کازرون و مناطق کوهستانی گیسکان برازجان با نام کرای پابری فرار و در این مناطق سکونت گزیدند و در حال حاضر بازماندگان آنها در این نواحی سکونت دارند.

در سال ۱۱۹۵ ق. در دوره صادق خان زند به استناد گزارش مؤلف تاریخ گلشن مراد، قاید مراد کرای برادر قاید گنجی بزرگ بر سر عدم پذیرش فرمان صادق خان زند، دایر بر اعزام ۲۰۰ نفر از مردم کرای به سپاه صادق خان زند با او جنگید. قاید مراد مشمول خشم و غضب صادق خان قرار گرفته ناچار از جنگ با سپاهیان زند شده و در اثر آن جنگ دهها تن از کرای‌ها کشته و جمعی کثیر از آنها به نواحی خوزستان کوچ داده شدند از میان آنان اولاد و احفادی از ایل قاید مراد در نواحی شهرهای: کوفه، بصره و کربلای معلی دیده شده و عده‌ای دیگر نیز به اولاد قاید گنجی در میان طوایف کردونی و خزامی کوت عبدالله اهواز پیوسته و در آنجا سکونت گزیدند. باتوجه به این پیشامدهای تاریخی، رشته و شیرازه قومی ایل باستانی کرای از هم گسیخت و مردم آن ایل به مناطق ایلی کهگیلویه پناهنده و در شمار ایلات آنان درآمدند. با اینکه این ایل باستانی سازمانش متلاشی و مردمش پراکنده و متفرق شدند و به جاهای دوری از استان‌های مختلف کشور پراکنده شدند، به انگیزه اصالت تباری و نژادی و فرهنگ مهرورزی و قوم گرایی در هر جایی صمیمانه جویا و پژوهنده قومیت خود شده که در این راستا هم نژادان خود را پیدا و شناسایی نموده‌اند. نگارنده به پیروی از این فرهنگ قوم یابی و نژاد پژوهی بر آن شدم که در هر

منطقه‌ای که مردم ایل کرای نشسته‌اند سفر نموده و با شناسایی زمان مهاجرت آنان و وقایعی که در طول مهاجرت و تبعید برایشان پیش آمده مطالبی تهیه و تدوین و در کتابی منتشر نمایم. خوشبختانه این کتاب که نام مردم و سرزمین‌های کهگیلویه و بویراحمد را دارد در سال ۱۳۸۵ چاپ شد که در این اثر از مجموع طوایف پراکنده و متفرق ایل کرای نام برده شده. با توجه به کارآمدی و تأثیر هویت شناسی این اثر در سال ۱۳۸۹ خورشیدی در شهر رامهرمز با همت بزرگان کرای این شهر همایشی، تشکیل یافت که تعداد زیادی از مردم کرای خوزستان، ممسنی و کهگیلویه در آن شرکت نمودند. این گردهمایی تأثیر قابل توجهی در تحکیم وحدت و شناسایی مردم کرای پس از سال‌ها دوری از هم داشته و به دنبال این پیوند و ارتباط قومی بنابه پیشنهاد جوانان با هم فرهنگ کرای شهرهای رامهرمز و بهبهان و نورآباد ممسنی در سال جاری (۵ فروردین ۱۳۹۰ خورشیدی) همایش مجددی در شهر بهبهان برپا شد. که مجموع هزینه‌های برپایی این همایش را همانند هزینه همایش شهر رامهرمز که کراییهای تلاوری و بنه آخوند و سرچشمه و طالقانی پرداختند، جناب حاج کمال غلامی از جوانان تحصیل کرده و عشیره دوست کرای پرداخت نموده است. با توجه به تأثیر این دو همایش قومی، این جانب تشویق به تهیه و تدوین کتاب حاضر تحت عنوان تاریخ ایل باستانی کرای گردیده که به حضور خوانندگان گرامی تقدیم می‌شود.

در پایان از آقایان: محمدعلی طیبی، فرج‌حاج الیاس واصلی، عباس خنجرزاده، فضل الله مجیدی، شمس الله طیب، فریدون کرای و جناب مهندس بهمن شجاعی که در برپایی همایش شهر بهبهان کمال مساعدت و همراهی را مبذول داشتند، تشکر و قدر دانی می‌گردد. همچنین وظیفه خود می‌دانم از کارکنان مؤسسه فرهنگی و هنری زیتون سبز به‌خصوص آقای نیکنام حسینی‌پور سی‌سخت که نهایت دقت را برای آماده سازی و چاپ این کتاب به‌عمل آوردند تشکر و قدردانی نمایم.

نورمحمد مجیدی کرای

دوم خرداد ماه هزار و سیصد و نود

یادداشت

در دوره کودکی تا فرصتی دست می‌داد به محال کرائی در جنوب مسجدسلیمان می‌رفتم؛ ضمن گردش در دامن طبیعت آثاری را می‌دیدم که با بقیه سازه‌های روستا متفاوت بود؛ در همان عالم کودکی احساس می‌کردم که این آثار متعلق به مردم این دوره نیست؛ اما همیشه این سؤال برایم بی‌پاسخ مانده بود که این بناها را کی ساخته؟ کرائی‌ها می‌گفتند این‌ها ساخته‌های ساکنین قبلی هستند. اینجا سؤال دو تا شد؛ پس اگر کرائی‌ها ساکنین بعدی هستند قبلاً کجا ساکن بودند؟ ریش سفیدان می‌گفتند در زمان نادر از کوهگیلویه آمدیم اما چگونگی امر و حساب تقویم را نداشتند.

در سال ۵۴ برای مأموریت دولتی قریب دو سال در روستاهای ایذه خدمت کردم؛ آشنائی با شادروان علی رضاخان احمدی و دوستی سی سال بعد با او دنیائی از اطلاعات ایلی و تاریخی را به رویم گشود و علاقه‌مندیم برای یافتن پاسخ سؤالات رسوب شده در ذهن بیشتر شد. ایذه و گرمسیر دینارون بختیاری حلقه‌ایست که بختیاری را به بهمنی؛ طیبی و کوهگیلویه وصل می‌کند و دسترسی بیشتر به اطلاعات شرق و غرب این حلقه اتصال را تا حدودی میسر می‌سازد. از طرفی ایذه همان مال امیر پایتخت اتابکان لر است که در گوشه و کنار آن آثار فراوانی از ایشان در کنار آثار عیلامی، اشکانی، ساسانی و... به جا مانده؛ برای دیدن این آثار در نقاط مختلف از جمله تمبی، مال آقا، دهدز، نوترگی، هلاگون، پیون، سوسن، باغ ملک، قلعه تل، مرغا و سایر نقاط گاهی پای پیاده و گاهی بر پشت اسب روزهای بسیاری کوه‌پیمائی نمودم، بعضی از این آثار نمونه همان آثاری بود که در کوهستان کرائی مسجدسلیمان و شوشتر دیده بودم. با این بازدیدها به دنبال منابع تاریخی دوره‌های مربوطه گشتم؛ منابع کمیابی که سالها در پی آنها بودم و هنوز هم علی‌رغم گسترش صنعت نشر دسترسی به آنها مشکل است.

در این وادی تحقیق بودم که در سال ۷۱ برای اولین بار افتخار آشنائی با آقای نورمحمد

مجیدی حاصل شد. چند روزی در اهواز خدمتشان بودم و ضمن مطالعه و بررسی دو جلد کتاب‌های اولیه‌اش (تاریخ و جغرافیای کهگیلویه و بویر احمد و تاریخ و جغرافیای ممسنی) که تازه از زیر چاپ درآمده بودند به اتفاق؛ چندین سفر تحقیقی به محال کرائی مسجدسلیمان؛ شوشتر؛ ایذه؛ رامهرمز و کوت عبدالله نموده و با معمرین و ریش سفیدان تیره‌های مختلف به گفتگو نشستیم و با اطلاعاتی که از سایر نواحی در دست بود، دریافتیم که ابعاد پراکندگی ناشی از سیاست معمول کوچ اجباری این مردم و استقرار ایشان در محال لرنشین و استانهای جنوب ایران بسیار وسیع‌تر از آنی است که قبلاً تصور می‌رفت. محاسبه سرانگشتی تعداد شاخه‌ها، تیره‌ها و طوایف و مقایسه ساختاری آنها با ایلات دیگر کشور و گزارش‌های مورخین قرون گذشته، بیانگر این بود که مجموع این مردم قبل از پراکندگی، تحت یک ساختار ایلی مشخص روزگار می‌گذرانیدند، بنا بر این ضرورت انجام یک تحقیق و باز نگری جداگانه بر روی این پراکندگی احساس می‌شد.

آقای مجیدی طی قریب بیست سال گذشته گاهی که به اهواز می‌آمدند و یا تلفنی با ایشان تماس داشتیم؛ در خصوص کم و کیف کار و تلاش‌های انجام شده به تبادل نظر می‌پرداختیم؛ تا اینکه در همایش فروردین ماه ۱۳۹۰، کرائی‌های استان‌های جنوبی در بهبهان نوید پی‌گیری کار انتشار کتاب حاضر را از او شنیدم.

برای تألیف کتب تاریخی؛ گذشته از دانش و فوق کار که از عناصر لازم و اولیه هستند؛ استفاده از منابع متعدد معتبر نیز بر ارزش کار می‌افزاید. منابع معمولاً دو دسته‌اند منابع مکتوب و منابع شفاهی؛ منابع مکتوب که اعتبارشان را اساتید قبلی؛ تقریباً ارزیابی کرده‌اند و بر حسب اعتبارشان مؤلف می‌تواند به آنها اعتنا نماید؛ اما تشخیص اعتبار منابع شفاهی و تمیز صحت و سقم، ارزیابی و نیز برابری آنها با منابع مکتوب معتبر کار ظریفی است که از عهده هر کسی بر نمی‌آید. موفق‌ترین کارهای انجام شده در زمینه تاریخ و سرگذشت عشایر و ایلات و روستاهای کشور را معمولاً "افراد از همان منطقه که آشنا به شیوه زندگی و مفاهیم واژه‌ها و عبارات رایج بین آنها بوده انجام داده‌اند. همچنین از آنجائیکه نسبت‌های خویشاوندی و خونی و غمخواری در مناسبات ایلی از نظر منافع اقتصادی و اجتماعی نقشی کلیدی دارد، آشنائی با نام‌ها و شخصیت‌های تأثیر گزار و نسبت آنها با یکدیگر و عملکرد ایشان که نهایتاً به سرنوشت تیره‌ها و طوایف مختلف راه پیدا می‌کند از مهم‌ترین ویژگی‌های یک پژوهشگر این عرصه است.

آقای مجیدی در خانواده‌ای به دنیا آمده‌اند که بیش از سه قرن از اواخر دوره صفوی تا کنون، ریاست طایفه کرائی را در کهگیلویه، مسقط الرأس کرائی به عهده داشته‌اند. پدرش شادروان کربلائی احمد مجیدی از اوائل قرن شمسى حاضر به مدت چند دهه در تحولات سیاسی و اجتماعی منطقه؛ فعال و مورد اعتنا بوده و در گزارش‌های متعدد از جمله (تاریخ سیاسی کهگیلویه) به قلم سید مصطفی تقوی مقدم، (عشایر مرکزی ایران) به قلم دکتر جواد صفی نژاد،

از او با عنوان هائی چون (کدخدا و مشاور ویژه خان، یکی از کدخدایان متنفذ و معتبر ایل طیبی، فرماندهی دسته چریکی ایل طیبی، نماینده نیروهای دولتی، مردی مدبر و شایسته و از بزرگان ایل طیبی) از ایشان یاد شده؛ وصلت‌های متعدد خانواده مجیدی با سران ایلات و طوایف مختلف و طبیعتاً رفت و آمد و نشست و برخاست با این خانواده‌ها که نقل مجلس شان گفتگوی پیشینیان ایل است کلاس تاریخی بود که مجیدی از کودکی در آن تلمذ کرده و بعضی رویدادهای تاریخی را بلاواسطه از زبان شخصیت‌های اصلی وقایع شنیده و دسترسی به اسناد مکتوب و قبایله‌ها و شجره نامه‌ها را برای او میسر ساخته، علی‌رغم آنکه حدود هشتاد سال از عمرش می‌گذرد، پشتکار عجیبی در تحقیق و مطالعه و تحمل رنج سفرهای تحقیقی به نقاط دور افتاده را دارد. دارا بودن مجموعه شرایط فوق است که موجب خلق این اثر گردیده و چه کسی بهتر از مجیدی می‌توانست این بار گران را بر دوش کشد.

امید است این نوع تلاش‌ها راهگشای راه محققین آینده گردد تا بتوانند بخش‌های پنهان تاریخ این بخش از کشور را که کمتر به آن پرداخته شده آشکار نمایند.

فریدون کرائی

سوم آبان ماه هزار و سیصد و نود